بازداشت ۲۸۰ نفر از اراذل و اوباش پایتخت

ماموران پلیس امنیت پایتخت در عملیات پلیسی، ۲۸۰ نفر از اراذل و اوباشی را که برخی از آنها سابقه‌دار بودند، بازداشت کردند. به گزارش جام جم، سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران در حاشیه ششمین مرحله از طرح برخورد با اراذل و اوباش و مزاحمین نوامیس گفت: در این عملیات که در پاکسازی ۸۵ محله، ۲۹۷ قهوه‌خانه و سفره‌خانه، باشگاه بدنسازی، پارک و محل‌های تفریحی رخ داد، ۲۸۰ نفر بازداشت شدند. وی افزود: از این تعداد ۸۹ نفر از اراذل متهم به جرایم مثل تخریب، شرارت و... و ۱۵۳ نفر نیز مزاحمین نوامیس بودند که در پی شکایت مردم دستگیر شدند. ۳۸ نفر دیگر نیز در رابطه با توزیع اقلام غیراخلاقی و مواد محترقه بازداشت شدند. رحیمی درباره تمهیدات پلیس در آخرین چهارشنبه پایان سال نیز گفت: همچنین مانند سال‌های گذشته با افرادی که در چهارشنبه آخر سال با خودرو اقدامات مخربگرانه و اوباشگرانه انجام دهند، برخورد خواهد شد و تا پایان تعطیلات نوروز خودروی این افراد در توقیف می‌ماند.

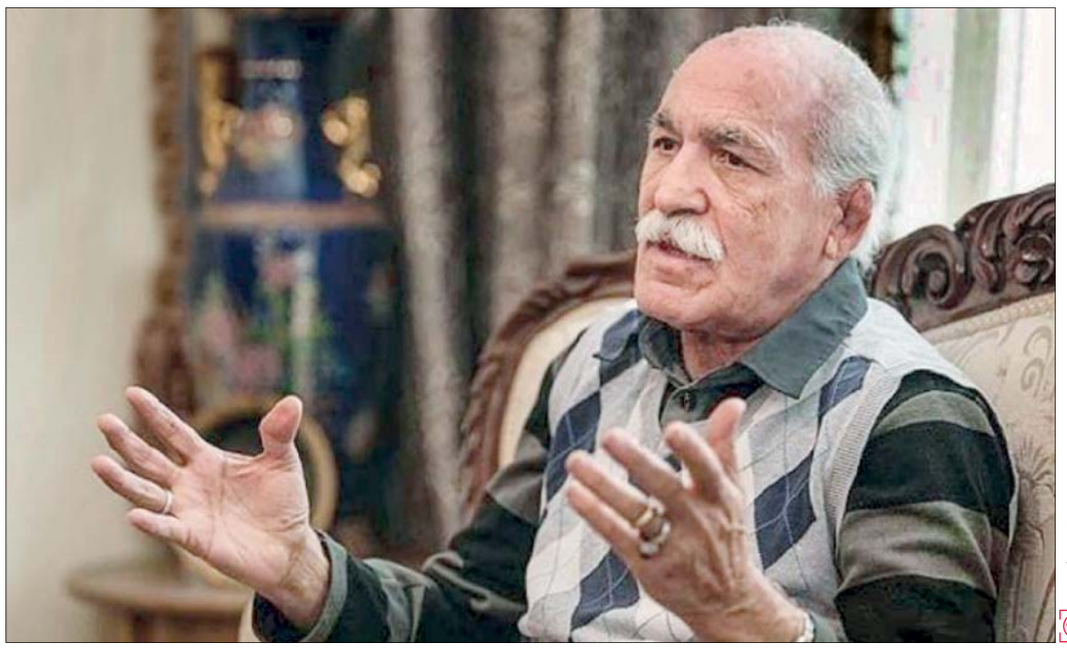

عکس: فارس

گفت‌وگوی جام جم با پیشکسوت کشتی و دارنده مدال المپیک که با اعطای مدالش جان یک اعدامی را نجات داد

«آقا تختی» زنده است!

محمد غمخوار
حوادث

مهر ماه سال ۱۳۴۳ زمانی که از توکیوی ژاپن خبر رسید، علی‌اکبر حیدری مدال برنز المپیک را به دست آورده، کسی باور نمی‌کرد ۵۴ سال بعد این مدال گره طناب دار را از گردن پسر اعدامی باز کند؛ جوانی که پیش از آن دو بار تا یک قدمی چوبه دار رفته بود و امیدی برای بازگشت به زندگی نداشت. اما شرط خانواده مقتول و گذشت قهرمان سابق کشتی ایران، او را سه سال بعد از قتل به زندگی برگرداند. این پیشکسوت کشتی اصرار داشت با خدا معامله کرده و قصدش مطرح کردن موضوع در رسانه‌ها نبوده که پس از اصرار و چندبار تماس راضی شد مصاحبه‌ای کوتاه انجام دهد تا شاید بتواند قدمی در راه فرهنگ سازی برای بخشش قاتلان بردارد. حیدری تاکید می‌کند؛ «برای قدم برداشتن در کار خیر باید مراقب بود. بعضی قاتلان از مجرمانی هستند که زندان آنها را تنبیه نکرده و هر بار پس از آزادی دوباره مرتکب جرم شده‌اند، اما دیگر قاتلانی هستند که اتفاقی قتلی را انجام داده و از کارخود پشیمان هستند. برای گروه دوم باید قدم برداشت زیرا امید به اصلاح آنها در زندان بیشتر است. در این پرونده هم در یک آشتی کنان، قتلی ناخواسته رخ داده بود. اگر قاتل لات یا سابقه‌دار بود من قدمی برنمی‌داشتم.»

چطور متوجه ماجرا شدید؟

دوستان قاتل به پسر من مراجعه کردند و گفتند چند سال است ما برای بخشش تلاش کردیم اما نتیجه نداده، از پدرت درخواست کن پادرمیانی کند شاید اولیای دم قبول کنند. من هم از چند نفر از قهرمانان خواستم همراه شوند تا شاید بتوانیم قدم خیری برداریم.

بررسی کردید که قاتل در زندان تنبیه شده و از کارش پشیمان باشد؟

اول این را بررسی کردیم و بعد قدم برداشتیم. او سابقه درگیری و جرم نداشت و در یک نزاع وقتی خودش توسط پسری چاقو می‌خورد، ضربه‌ای می‌زند که به مقتول اصابت می‌کند.

حکم قصاص صادر شده بود؟

بله حتی تایید هم شده بود. دوبار هم برای اجرای حکم به انفرادی رفته بود که اولیای دم حکم را اجرا نکرده بودند.

در همان جلسه اول رضایت دادند؟

نه. چند جلسه برگزار شد و در این جلسات قهرمانان از گذشت‌ها گفتند و از اولیای دم خواستند راضی به گذشت شوند. حتی جلسه‌ای در نمایشگاهی گذاشتیم که آنجا هم صحبت‌های خوبی شد.

چه اتفاقی افتاد که شما مدالتان را به اولیای دم اهدا کردید؟

در یکی از جلسات، اولیای دم گفتند؛ شما که از گذشت حرف می‌زنید خودتان حاضر به گذشت هستید. ما گفتیم باید از چه چیزی گذشت کنیم که درجواب گذشت از مدال المپیک من را شرط قبول حرف‌های ما گذاشتند.

واکنش شما چه بود؟

وقتی این شرط را اعلام کردند من گفتم اگر واقعا از قاتل گذشت می‌کنید من با رضایت و رغبت این مدال را تقدیم شما می‌کنم. من مدال را تقدیم کردم و اولیای دم هم با گذشت بزرگ‌تری رضایت دادند و پسر جوان از قصاص نجات پیدا کرد.

بعد از بخشش با قاتل دیداری داشتید؟

من که تا امروز او را ندیدم اما شنیدم چند روز قبل عفو رهبری شامل او شده و از زندان بیرون آمده است.

بعد از ۵۴ سال، جای مدالتان در خانه خالی نیست؟

نه. نجات جان یک جوان برای من از بودن مدال در ویترین خانه ام با ارزش‌تر است و خوشحالم که توانستم از آن در کار خیری استفاده کنم. این‌که پسر جوانی نفس می‌کشد ارزشش برایم از ۵۰ مدال بیشتر است البته دوباره تاکید می‌کنم گذشت اصلی را اولیای دم کردند. آنها بودند که با بخشش خود به این جوان زندگی دوباره دادند.

واکنش خانواده‌تان چه بود؟

همسرم وقتی از شرط اولیای دم مطلع شد، اصرار کرد که زودتر مدال را تقدیم خانواده مقتول کنم تا جان جوانی نجات پیدا کند.

اگر دوباره خانواده قاتلی از شما بخواهد پا درمیانی کنید، قبول می‌کنید؟

اگر قتل ناخواسته باشد و بدانم قاتل اصلاح شده است، بله این کار را می‌کنم. در این راه من تنها نیستم و پیشکسوتان زیادی هستند که بیشتر از من قدم خیر برداشته‌اند.

چرا از مصاحبه در این باره فراری هستید؟

ورزشکاران همیشه در کارهای خیر پیشقدم بودند. زمانی پوریای ولی قدم خیر برداشت، زمانی مرحوم تختی در زلزله بوئین‌زهرا و آقای طالقانی در زلزله بم و این اواخر هم در زلزله کرمانشاه آقای دایی. من هم در کنار پیشکسوتان دیگر یک کار کوچک انجام دادم و خوشبختانه خانواده مقتول هم ورزشکار بودند و قبول کردند. کاری که اولیای دم انجام دادند به مراتب مهم‌تر از کار من بود. آنها بخشش بزرگی انجام دادند. من این کار را کردم تا برای نجات جوانی قدم بردارم نه این‌که بخواهم با آن خودم را مطرح کنم.

فکر می‌کنید چطور می‌شود از این اتفاقات جلوگیری کرد؟

باید گذشت داشته باشند و رفتار عجولانه نداشته باشند. نباید چاقو با خودشان حمل کنند. قدیم اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، با نیش چاقو به هم می‌زدند. الان جوانان چاقو را فرو می‌کنند و چرخی هم در بدن می‌دهند. باید پیامد این دعواها را درنظر بگیرند.

زوم

تقدیر از بخشش قهرمان کشتی

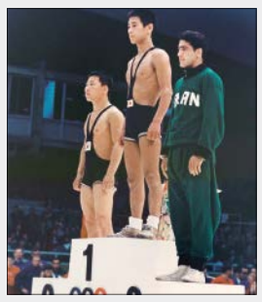

پس از این اقدام پیشکسوت کشتی، مراسمی برای تقدیر از او در صندوق پیشکسوتان ورزش کشور برگزار شد. مدیرعامل این صندوق در این مراسم گفت: پهلوان علی اکبر حیدری کار بزرگی انجام داد و جان انسانی را نجات بخشید. خداوند در سوره مائده می فرماید «هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.» امیدوارم سال‌ها همواره در حوزه های اجتماعی کنشگر باشید و این راه را ادامه دهید.

علی‌اکبر حیدری:
نجات جان پسر جوان از ۵۰ مدال برای من ارزشمندتر است

تهدید خانواده سارق همدست برای پس‌گرفتن اعترافات

گوشی دزدی سفارشی

دو مالخر حرفه‌ای با سفارش گوشی‌های مورد علاقه به موبایل‌قاپان از آنها می‌خواستند برایشان سرقت کنند. یکی از مالخران با اجیر کردن آدمکش قصد قتل اعضای خانواده همدستش را داشت که با واکنش سریع پلیس ناکام ماند.

به گزارش جام جم، شامگاه هشتم شهریور امسال مردی با حضور در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از دو سارق شکایت کرد. پس از این شکایت با دستور بازپرس علی ایردموسی، تحقیقات پلیس آغاز شد.

شاکی به افسر تحقیق گفت: شب از محل کارم به خانه بازمی‌گشتم که در خیابان مدنی تهران دو مرد موتورسوار راهم را سد کردند و با تهدید قمه، گوشی تلفن همراه گران‌قیمتم، یک میلیون تومان پول و عینکم را دزدیدند.

پلیس در جست‌وجوی دو سارق موتورسوار بود که افراد دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند. در جریان تحقیقات معلوم شد که تصاویر چهره‌نگاری از سارقان با هم مطابقت دارد. در این مرحله معلوم شد سارقان زمانی که در مقابل مقاومت برخی مالباختگان قرار گرفته اند آنها را با قمه زخمی کرده‌اند. شش ماه از این ماجرا گذشته بود که ماموران رد مالخر حرفه‌ای به نام سعید را در این پرونده به دست آوردند و او چند روز پیش بازداشت شد. او ابتدا منکر هرگونه خرید و فروش گوشی‌های تلفن همراه شد، اما سرانجام اعتراف کرد با دوستش مهدی ۶۰ ساله معروف به «گل گلی» گوشی‌های دزدی می‌خریدند.

سعید به افسر تحقیق گفت: من و مهدی سال‌ها پیش در زندان آشنا شدیم و بعد از آزادی، خرید گوشی‌های دزدی را ادامه دادیم. او مغازه فروش و تعمیر گوشی داشت. ابتدا گوشی‌های دزدی را از معتادان می‌خرید و بعد از شکستن قفلش آن را می‌فروخت. بعد از مدتی برای درآمد بیشتر تصمیم گرفتیم از سارقان و زورگیرها گوشی بخریم. سفارش انواع گوشی‌ها از جمله آیفون را به سارقان و زورگیرها می‌دادیم و در تلگرام عکس نمونه گوشی را برایشان ارسال می‌کردیم. بعد طبق سفارشمان گوشی‌ها را سرقت و به ما می‌فروختند. این اواخر او گوشی‌ها را در مغازه جدیدش که عطاری بود می‌فروخت.

با اعتراف وی مهدی معروف به گل گلی بازداشت شد. او مدعی بود که مدتی است با سعید کاری نداشته و چون با هم اختلاف کاری داشته‌اند، سعید با دروغپردازی می‌خواهد وی را گرفتار و روانه زندان کند. بررسی سوابق وی نشان می‌داد، او از سال ۵۹ تا ۹۴، ۲۰ بار به اتهام سرقت، نگهداری و خرید و فروش مواد مخدر، سرقت مسلحانه، شروع به سرقت و آزار و اذیت پسران خردسال و خرید و فروش گوشی‌های سرقتی به زندان رفته است. تحقیقات برای رازگشایی از دیگر جرایم‌شان و نیز دستگیری دو سارق خشن فراری ادامه داشت تا این‌که سعید زمانی که نزد بازپرس پرونده رفت این‌بار گفت باید دروغ بگوید تا هم جرمش مهدی آزاد شود در غیر این صورت نوچه‌های او، خانواده‌اش را به قتل می‌رسانند.

ماموران موضوع را بررسی کردند که معلوم شد ماجرای تهدیدهای مرگبار صحت دارد و افرادی برای کشتن اعضای خانواده سعید اجیر شده‌اند. ماموران وارد عمل شدند که این افراد فرار کردند.

در این مرحله مهدی ۶۰ ساله دوباره مورد تحقیقات قرار گرفت و به افسر تحقیق گفت: چهار دختر دارم که همه ازدواج کرده‌اند. سال‌ها جرایم مختلف را انجام داده و ۲۰ بار به زندان افتادم. ۲۰ سال بود هروئین مصرف می‌کردم که چند سال است ترک کردم. سال‌ها مغازه تعمیر و فروش گوشی تلفن همراه داشتم و از چهار سال پیش مغازه قبلی‌ام را تعطیل و عطاری راه‌اندازی کردم.

وی افزود: چندی قبل دستگیر شدم و پنج ماه در زندان بودم که خانواده‌ام با سند ۲۰۰ میلیون تومانی آزادم کردند. مدتی با سعید گوشی‌های دزدی را سفارش داده و از دزدها می‌خریدیم و می‌فروختیم اما با هم به مشکل برخوردیم و هر کسی کار خودش را پیش گرفت. چون به دروغ اعتراف کرد که مالخری‌های جدید را با من انجام داده، در بازداشتگاه خانواده‌اش را تهدید به قتل کردم و از دوستانم در بیرون بازداشتگاه خواستم که به خانواده‌اش آسیب برسانند تا اعترافات دروغش را پس بگیرد.

تحقیقات از دو خریدار گوشی‌های سرقتی در حالی ادامه دارد که پلیس در جست‌وجوی دو سارق حرفه‌ای است که سفارش گوشی‌های گرانقیمت را می‌گرفتند و به این دو مالخر به قیمت پایینی می‌فروختند.

متهم در جلسه دادگاه، قتل را تشریح کرد

همسرکشی در شب عید

مردی میانسال وقتی شب عید فهمید همسرش دیگر حاضر به ادامه زندگی با او نیست و قصد، طلاق دارد او را کشت و مادرزنش را نیز زخمی کرد. این مرد دیروز در حالی پای میز محاکمه ایستاد که دو فرزندش برای او حکم قصاص خواسته‌اند.

به گزارش جام جم، در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی و با حضور یک قاضی مستشار برگزار شد، ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و گفت: رضا ۴۵ ساله متهم است ۲۹ اسفند ۹۶ همسرش به نام رویا را مقابل خانه پدر زنش در میدان امام‌حسین با ضربه چاقو کشت و مادر همسرش را زخمی کرد. اکنون با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده برای وی تقاضای کیفر دارم. سپس دختر و پسر قربانی در جایگاه ویژه ایستادند و برای پدرشان حکم قصاص خواستند. آنها گفتند می‌خواهند هرچه زودتر این حکم اجرا شود، اما برادر کوچکشان از قصاص گذشت و اعلام رضایت کرد.

سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: قبول دارم همسرم را کشتم، اما من عاشق او بودم و نمی‌خواستم او را بکشم، نمی‌دانم در آن دعوا چطور مادر همسرم را نیز زخمی کردم.

وی در تشریح ماجرا گفت: از سال ۹۳ رابطه من و همسرم سرد شده بود. همسرم چهار ماه خانه را ترک کرد و به خانه مادرش که در همان نزدیکی بود رفت. من بارها دنبال او رفتم و از او خواستم برگردد، اما قبول نمی‌کرد. من کارگر ساختمانی بودم و چند ماه از سال را بیکار بودم و او به این موضوع اعتراض داشت. رویا مهریه‌اش را اجرا گذاشته و تقاضای جهیزیه و نفقه کرده بود. به همین خاطر من طبق قانون به او نفقه می‌پرداختم.

متهم گفت: بعد از چندماه با تلاش بسیار توانستم همسرم را برای ادامه زندگی راضی کنم. او آشتی کرد و به خانه برگشت. یک روز برای خانه خرید کرده بودم، اما او گفت برای خرید دیر شده و او چند روز قبل بار دیگر به دادگاه رفته و از من شکایت کرده است. برایش شرایط کاری‌ام را توضیح دادم و به او گفتم در صورتی که پول داشته باشم برای خرید مایحتاج خانه از او و فرزندانم دریغ نمی‌کنم، اما قبول نکرد و به خانه مادرش رفت. در مدتی که او در خانه مادرش بود هر شب مقابل در خانه آنها می‌رفتم و همسر و فرزندانم را می‌دیدم، اما مادر زنم اجازه نمی‌داد داخل خانه بروم. اوضاع روحی‌ام به هم ریخته بود و قرص می‌خوردم.

وی ادامه داد: آخرین بار شب عید بود به همین خاطر با التماس از همسرم خواستم به خانه برگردد. او شرط گذاشت در صورتی که تعطیلات عید را به سفر برویم با من آشتی می‌کند. من هم پذیرفتم. پیکانی را که با آن مسافرکشی می‌کردم به تعمیرگاه بردم. حتی وسایل سفر را نیز مقابل در چیدم و مقابل خانه مادرزنم رفتم. من به برگشت همسرم خیلی امیدوار بودم، اما وقتی در را باز کرد به من گفت حاضر به ادامه این زندگی نیست. عصبانی شدم و به خانه برگشتم. با چاقو مقابل در خانه مادرزنم رفتم و وقتی همسرم مقابل در آمد سه ضربه به همسرم زدم و در آن درگیری نمی‌دانم چاقو چطور به مادر زنم هم برخورد کرد.

وی در حالی که به خواهرهای همسرش اشاره می‌کرد، گفت: آنها هیچ وقت در این سال‌ها برای آشتی دادن من و همسرم اقدامی نکردند، اما حالا از من شکایت دارند. من همسرم را حتی بیشتر از فرزندانم دوست داشتم و می‌خواستم با او زندگی کنم، اما او حاضر به ادامه زندگی نبود. من بعد از قتل همسرم فرار کردم تا صبح در خیابان بودم و فکر می‌کردم خواب دیده‌ام. نزدیک صبح بود که به کلانتری رفتم و خودم را معرفی کردم. من از مرگ همسرم ناراحت و پشیمان هستم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

متهم به قتل:
وقتی فهمیدم همسرم قصد برگشت به خانه را ندارد، او را کشتم

تلنگر

تغییرات جدید در ناجا

با حکم فرمانده نیروی انتظامی روسای سازمان نظام وظیفه، راهور، فتا و بهداد ناجا تغییر کرد.

به گزارش جام جم، بر اساس حکم سردار اشتری که دیروز اعلام شد، سردار کمال هادیانفر، رئیس پلیس راهور، سردار تقی مهری، رئیس سازمان نظام وظیفه، سردار وحید مجید، رئیس پلیس فتا و سرهنگ محدرضا حسینی، معاون بهداد ناجا شدند.

قتل هم مدرسه‌ای زورگو

پسر نوجوان که از تهدیدهای هم مدرسه‌ای سابق خود خسته شده بود، در جریان دعوای خیابانی او را با چاقو کشت.

به گزارش جام جم، ۱۲ بهمن امسال، یکی از شهروندان ساکن محدوده شرق تهران هنگام تردد در حاشیه بزرگراه رسالت متوجه جسد پسری در یک محوطه خاکی شد. او هراسان با پلیس تماس گرفت و تیمی از کارآگاهان همراه بازپرس جنایی در محل حاضر شدند.

در تحقیقات مقدماتی مشخص شد، مقتول پسر ۱۸ ساله‌ای به نام میلاد است که با اصابت ضربه چاقو به شکمش از پای درآمده بود.

تحقیقات برای شناسایی قاتل و انگیزه او آغاز شد تا این‌که کارآگاهان سرنخ‌هایی از حضور یک نوجوان دیگر که پیش از این با مقتول رابطه دوستی داشته، در این ماجرا به دست آوردند. با کشف این سرنخ، تنها مظنون قتل که نوجوانی ۱۶ ساله به نام فرشاد است ۱۳ اسفند دستگیر و برای تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت فراخوانده شد.

فرشاد، در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: از چند سال قبل با میلاد دوست بوده و در یک مدرسه درس می‌خواندیم. میلاد که دو سال بزرگ‌تر بود به بهانه‌های مختلف به من زور می‌گفت و با تهدیدهای مکرر مرا تحت سلطه حرف‌ها و رفتارهای خود درآورده بود. تا این‌که مدرسه‌ام را تغییر دادم اما چند روز قبل از حادثه دوباره او با من تماس گرفت من به تماسش پاسخ ندادم. میلاد برایم پیامک‌های تهدیدآمیز فرستاد و خواست همدیگر را ببینیم. من هم در حاشیه بزرگراه امام علی با او قرار گذاشتم. وقتی به محل رسیدم از او خواستم کارش را بگوید که دوباره تهدید کرد. با هم درگیر شدیم. میلاد با چاقو به طرفم حمله کرد که در یک لحظه چاقو از دستش افتاد و آن را برداشتم و ضربه‌ای به شکم میلاد زدم.

معاون مبارزه با جرایم جنایی تهران بزرگ در این باره گفت: متهم انگیزه قتل را فشارهای عصبی و تهدیدهای روانی و زورگویی‌ها و زورگیری‌های مقتول اعلام کرد.

کشف جسد دختر گمشده

دختر نوجوان در مسیر رفتن به خانه یکی از اقوام ناپدید شد و جسد او در رودخانه کارون پیدا شد.

سرهنگ همت علی ترکارانی، فرمانده انتظامی خرمشهر به سایت پلیس گفت: ۱۱ روز پیش خانواده‌ای با حضور در پلیس آگاهی خرمشهر شکایتی را مطرح کردند مبنی بر این‌که دختر ۱۵ ساله خانواده قرار بوده به خانه یکی از اقوامش برود که ناپدید شده و به آنجا نرفته است. دو روز پیش جسد این دختر در رودخانه کارون خرمشهر کشف و به پزشکی قانونی منتقل شد.

مرگ پسر به خاطر مخالفت با دستفروشی

پسر ۲۲ ساله زمانی که با مخالفت پدرش برای دستفروشی روبه‌رو شد، در اقدامی عجیب با خوردن قرص برنج به زندگی‌اش پایان داد.

به گزارش جام جم، ساعت ۱۰ و ۵۷ دقیقه سیزدهم اسفند امسال، یکی از ماموران کلانتری ابوسعید در تماس با پلیس از مرگ مشکوک پسر ۲۲ ساله‌ای در بیمارستان خبرداد. با دستور قضایی، تحقیقات درباره مرگ این پسر جوان آغاز شد.

در این مرحله ماموران به تحقیق از پدر این پسر پرداختند که وی به افسر تحقیق گفت: من سال‌هاست که با دستفروشی هزینه زندگی خانواده‌ام را تامین می‌کنم اما شرایط مالی‌ام هر روز بدتر می‌شد. پسرم هم مدتی بود که دستفروشی می‌کرد. هر چه به او می‌گفتم که نباید مثل من دستفروشی کند، قبول نمی‌کرد. هر کاری انجام دادم او از این کار دست بردارد و به کار و حرفه‌ای دیگر که درآمد بیشتری دارد، برود نشد. امروز دوباره سر این موضوع دعوایمان شد که به خانه برگشت. وقتی به خانه آمدم دیدم با قرص برنج خودکشی کرده است.